



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - ۱۹ دسمبر ۲۰۱۸



خلیل الله معروفی

لشکرکشی "افغان جرمن" در برابر "ادب دری"

(قسمت سوم)



قسمتهای مختلف این گفتار را قصداً و از روی عمد، در فواصل نامعین و دور از هم منتشر میسازم، تا مجریان و ایله جارهای بی آزر و "بیحد باسواد" پورتال "افغان جرمن":

- از یک طرف نکات یادآوری شده را هضم کنند، و وضع جهاز هاضمه شان برهم نخرند!!!

- و از طرف دیگر در درد انتظار درگیرند، بسوزند و "سیموچک" شوند، که باز چه از پرده برون خواهد آمد؟؟؟

استاد سخن و آموزگار زمن، شیخ مصلح الدین سعدی، هشت قرن پیش از گلزمین شیراز در گلستان همیشه بهارش نوشت، که:

"زمین شوره، سنبل بر نیارد!!!"

تفسیر این مصراع سخنگوی و حکیمانه در شرائط ماحول ما این است، که از شوره زاری به نام "افغان جرمن"، انتظار رستن گل و سنبل نرود!!!

در مدت بیشتر از یک ماهی، که از نشر مقاله "ادب - ادب دری - استاد ادب دری" در "آریانا افغانستان آنلاین" گذشت، ارمان در دلم ماند، که در "حمام زنانه" نظرگیری پورتال "افغان جرمن"، یک "حامی" وارد میدان گردد، چون هرچه دیدیم "گلخندی" دیدیم؛ و چنین است حال اُسفبار این صفحه شوره زار!!!

به سلسله اقتباس مقالات سابقم و جهت قراردادن آنها در دسترس مطالعه خوانندگان عزیز "آریانا افغانستان آنلاین"، مقاله "ادب - ادب دری - استاد ادب دری" را در صفحه ۱۵ نومبر ۲۰۱۸ آن وبسایت منتشر ساختم. نشر این مقاله محض جهت ادای دین فرهنگی در برابر ارزشهای دیرپای و سهمگین زبان دری صورت گرفت. این مقاله هیچ رسالت دگری نداشت، به جز قائل شدن حیثیت برای "ادب و فرهنگ" و ارزشهای "ادبی - فرهنگی" این زبان. چون چنان، که از ورای این مقاله به نکویی قابل دریافت است، اقدامات و کارهای دور از تعقل و سنجش داکتر صاحب هاشمیان، حیثیت و اعتبار و اُبّهت و جبروت ادب این زبان ارجمند و محبوب را زیر پای میگرد. این مقاله را در زمان حیات داکتر هاشمیان نوشته و منتشر ساخته بودم، تا مگر جلو خودکامگیهای عجولانه و غیر مسؤولانه داکتر صاحب هاشمیان را بگیرد. رویدادها اما نشان دادند، که منطق استاد هاشمیان محض بر مرکب بی مسؤولیتی و خودسری و غرور سوار است و هرگز بدین هوشدار و ایقاع بدهکار نیست!!!

این مقاله هرگز جهت اذیت و آزار آن دو خانم ارجمند هموطنم، نوشته نشده بود؛ بلکه گوشزدی هم بود برای این دو خانم عزیز و هر فرد بامسئولیت این خاک پاک، تا هرکدام حدّ خود را بشناسند و با ارزشهای منبع ادبی زبان دری "بی بند و بارانه" و با سبکسری برخورد نکنند!!! این مقاله مگر چون نشتر در بیکر "افغان جرمن" خلید و فغانش را تا ملکوت اعلا بالا کرد!!! طوری، که رویدادها شاهد حالند، این مقاله دو عکس العمل متضاد داشت. از یک طرف برخورد عاقلانه، باتأمل، رسالتمندانه و مثبتی بر داد و انصاف و حقیبنی؛ چنان، که:

– جناب ملک الشعراء، "استاد محمد نسیم اسیر" ضمن مطلب بوجد حق پسندانه خود زیر عنوان «لقب استادی؟؟؟» در صفحه ۲۱ نومبر ۲۰۱۸ "آریانا افغانستان آنلاین" چنین نوشتند:

«نوشته موشکافانه عزیزالقدم دیپلوم انجنیر «خلیل الله معروفی» به عنوان «ادب، ادب دری، استاد ادب دری» انتشار یافته پانزدهم نومبر پورتال وزین «آریانا افغانستان آنلاین» و شرح شرایط، رموز و معیارهای استادی و استاد ادب دری شدن، درسی است برای کسانی که در تلاشند این کلمه بلندبالا در کنار نام شان گذاشته شود و یا در اثر لک بخشی های مرحوم هاشمیان در کنار نام شان گذاشته شده است و آن را با دلخوشی، با خود پدک می برند، در حالیکه به تعبیر «معروفی» گرامی، سال های نوری از آن فاصله دارند. این نوشته خیلی آموزنده مرا به یاد خاطره و منظومه بی انداخت که پوره بیست و دو سال پیش در نومبر ۱۹۹۶ در برابر پیشنهاد تعدادی از شعردوستان به گرداننده مجله «آئینه افغانستان»، پوهاند «هاشمیان» سروده شده است....»

که در آخر منظومه آموزنده ای را ضم آن ساخته این طور میفرمایند:

مه به شاعر گمنام، نام استادی	که نیست درخور جاه و مقام استادی
به احترام، زیاران همنا طلبم	که زیر پا نکنند احترام استادی
هنوز حلقه شاگردی زیب گوش منست	چه سان به دست بگیرم، زمام استادی
مقام و منزلت خاص را، چه عام کنند	که نیست خاصه ما فیض عام استادی

....

– جناب "فدا محمد نومیر" از درجه نظرگیری "افغان جرمن آنلاین" به تاریخ ۳۰ نومبر ۲۰۱۸ چنین نوشتند:

«اسم: فدا محمد نومیر محل سکونت: متحده ایالات - جنوبی کلفورنیا تاریخ: ۳۰، ۱۱، ۲۰۱۸ :

بسم الله الرحمن الرحيم ط

انا لله وانا اليه راجعون ط

نن د استاد ، بابا او قهرمان القاب دومره زیات سوي دي . چي اصلي استاد ، بابا او قهرمان ورکي ورک سوي دی. الله سبحان وتعالی دي ، سیدخلیل الله هاشمیان ته د کبیره او صغیره تیروتنو او گناهونو مغفرت وکړي .جنت فردوس دی خای وي.

هو: سید خلیل الله هاشمیان په چهاربشاخه د استادی القاب بادل ، چاته چي به خوبه سوه مفت او رایگان القاب ورکول ، او د چا سره چي به بي ورانه سوه ، په زحمتونو گتلي القاب به ترینه سلول . راخی چي ټوله ورته د دعا او مغفرت لاسونه اوچت کړو . امین یارب العالمین»

– جناب "جلال جاوید" در صفحه ۱۱ دسمبر ۲۰۱۸ "آریانا افغانستان آنلاین"، از نگاه ادب و ادبیات دری، مقاله واقعبینانه و جاننداری نوشت و کارروائیهها و کارستان غیر مسؤلانه استاد هاشمیان را تقبیح و محکوم کرد.

– در محفظه نظرخواهی "آریانا افغانستان آنلاین" نیز نظریات صائبی ارائه گردیدند. چنان، که نویسنده ادبشناسی به نام آقای "اردلان" از حضرت کابل نظر مدبرانه خود را به تاریخ نهم دسمبر ۲۰۱۸ این طور ابراز کرد:

اسم: اردلان محل سکونت: کابل تاریخ: ۰۹، ۱۲، ۲۰۱۸ :

معهدا، حساسیت انجنیر معروفی، در برابر مضحکه مرحوم هاشمیان یعنی «گزینش استادان ادب دری» بسیار طبیعی، درست و

بجا بوده است. خانم های گرانقدری که به این القاب، نامیده شدند، حتا از انشای پنج خط فارسی دری معمولی، عاجز اند و درمانده! لازم نیست، دور برویم:

خانم صالحه و اهاب و اصل، برای دفاع از «استادی» اش و تائید مرحوم هاشمیان، به تاریخ بیستم نومبر، در دریچه نظرخواهی، کامنتی گذاشته که چنین، پایان یافته است:

اظهار سپاس و امتنان از فرد فرد شما عزیزان و حمایت تان از ما به نمایندگی از مرحوم داکتر صاحب هاشمیان که در زندگی شان کسی این جرأت را نمی کرد و امروز که در جمع ما نیستند زبان حسودانش درازی پیدا کرده (یعنی چی، زبانت درازی پیدا کرده است. زبان دراز شده یا نشده، درازی پیدا کرده؟؟)، استاد شیما جان غفوری، تشکر کنم (ترکیب جمله بی ارتباط و غلط) و خواستار این شوم که بگذارید مهمیت (اختراع جدید مقصد اهمیت باشد) ما و شما وسیله باشد برای سرگرمی کسانی که از بیکاری و بی مصروفیتی حیرانند چه بکنند. وقتی آب طغیان می کند و به سیلاب تبدیل می شوند (میشود یا میشوند؟ ترکیب فعل غلط) حتی منازل کانکریتی در برابرش ایستادگی نمی تواند، باز چوب و چخت نحیف و ضعیفی که خود طالب پناهگاه هستند چی خواهند توانست. ساختار جمله غلط: چی خواهد توانست کرد. (لطفاً با این بحث خاتمه بخشیده). نقطه گذاری بیجا (روحیه دلچسپ پورتال را مکرر نسازید. اختراع جدید، چسپاندن صفت دلچسپ به روحیه!)

و نویسنده راسخ العقیده و آشنا با راز و رمز "ادب دری" به نام "دانش" از کابل، در صفحه ۱۱ دسمبر ۲۰۱۸ "آریانا افغانستان آنلاین" نیز صائبانه چنین نوشت:

اسم: دانش محل سکونت: کابل تاریخ: ۱۱، ۱۲، ۲۰۱۸:

در سایت کذایی افغان جرمن آنلاین، گویا غلیان و غلیبه احساسات وطندوستی، ملی گرایی او ازین ترفند ها، محلی برای درست نویسی، زبان آدمیزاد، و حد اقل یک پراگراف انشای قابل قبول، باقی نمیگذارد.

خود مدیر سایت در نوشتار فارسی، ناتوان است، این مدیر عاجز از دری نویسی، یک دستیار تمام وقت، گوش به زنگ و یاوه باف، پیدا کرده است که ناتوانی و کم سوادی او در نگارش فارسی، کمتر از انجنیر کبیر نیست؛ گویا زبان دری، نه گرامر دارد، نه ساختار دارد، نه پرو پوزیشن (ادات اضافه) دارد، نه رسم الخط دارد، نه نهاد و گزاره و مسند و مسند الیه دارد، و دست آخر فقط دیواری کوتاه دارد که هر کس از آن مثل روباه، بالا میرود. به آخرین کامنت حضرت حسیب الله خان، دستیار انجنیر کبیر، نظر افکنده شود:

« چیزی را که مشاهدات مقطعه ئی فعلی ام به گفتن دارد، این میباشد، که بدون شک و یقیناً نشر و پخش همچو جملات "پست و ریک" از جانب صفحه انترنتی افغانستان آریانا [آریانا افغانستان آنلاین] نزد اهل ادب شدیداً قابل تقبیح بوده و به نظر این بنده از جمله لحظات تنزیل کیفیت ادبی آن پورتال محترم محسوب میگردد، و در ضمن حکایت اسفباریست از برداشت سطحی و مغرضانه مدیریت آن پورتال محترم از "آزادی بیان"

خلیل جان معروفی" در کار دیگران غرض نگیر، بگذار که خرکار خرکاری کند و مس گر مس گری و حتی اگر احساس نمودی که **انشاء** [ان شاء الله] به اصطلاح" تا و بالا "خیریتنیست، زرگر را هم به کار **زرگری** اش [زرگری اش] تشویق نما. « ختم نقل قول. خوب، این گونه انشا، آیا «دری» است؟

یعنی «لسان دری» که قلمزنان افغان جرمن، بدان اعتقاد و سر سپردگی دارند، همین است؟
یعنی «مشاهدات مقطعه!»، قابل تقبیح!، لحظات تنزیل کیفیت!

شرم آورتر از همه، این که کار فرهنگی (یعنی ادبیات) را همسنگ و هموزن «خرکاری» تلقی فرموده اند!

"دانش" اصلی و "دانش" جعلی:

در همین جا به تأکید هرچه تمامتر باید گفت، که این نقل قول از "دانش" حقیقی ست، که متانت و صلابت قلم دارد و از حق و انصاف ادبی برخوردار است. اما:

چند روز بعدتر از نشر این نوشته جناب "دانش" در "آریانا افغانستان آنلاین"، "دانش" ساختگی و کذائی بی در محوطه نظرگیری "افغان جرمن" ظهور کرد، که یکسره به نفع و بسایت "افغان جرمن" یاوه سرانی کرد. "دانش" اصلی را از متانب قلمش تشخیص کرده میتوانیم. در بین طرز و متانت سخن "دانش حقیقی" و آن "دانش کذائی" بی، که تحت رژی "افغان

جرمن" ساخته شده، روی صحنه آمد و رقصی مفتضحانه در سطح فهم و ظرفیت نازل متصدیان مشوش "افغان جرمن" فرمود، فرقی دیده میشود، از زمین تا آسمان و از سمک تا سماء!!! مکرراً میگویم، که "دانش" حقیقی، همان است، که در وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" داد سخن داد. و "دانش تقلبی" کسی ست، که از طرف متقلبان "افغان جرمن" روی صحنه آورده شد، که هرگز و به هیچ وجه و صورت واقعیت عینی ندارد و محض از ذهن و قلم متقلبانی از حلقه متصدیان "افغان جرمن" سر برافراشته است!!!

امید است، که سؤال جناب "حلیم حکیمی" و جناب "نبیل عزیزی"، در زمینه تفکیک "دانش" حقیقی و آن "دانش" ساختگی و ساخت "افغان جرمن"، حل شده باشد و این دو عزیز به حقه بازیهای "افغان جرمن" پی برده باشند!!! چنین نیرنگبازیها و فریبکاریهای "افغان جرمن" را در گذشته نیز شاهد بوده ایم. قصه ای را از دو سه سال پیش، که از پیش چشم متصدیان "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" گذشت، می آورم:

در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" همکاری ارجمند داشتیم، به نام "عبدالله امینی"، که از کابل مینوشت و رویدادها و تفاسیر سیاسی مختصر و جاندار را به زبان شیرین و گزنده به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میفرستاد - و قسمی، که معلوم گشت، تنها و تنها به پورتال ما میفرستاد. پورتال حسود "افغان جرمن"، که از همکاری منحصر وی با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" رشک میبرد و درد میخورد و خون میگریست، روزی از روزها با شکستاندن "پی دی اف" پورتال ما، تفسیری از آقای "عبدالله امینی" را دزدیده و در محفظه نظرخواهی خویش گذاشت. همین، که آقای "عبدالله امینی" متوجه این تقلب و جعلکاری "افغان جرمن" گشت، رسماً بر "افغان جرمن" احتجاج کرده، خروشید و صریحاً نوشت، که وی فقط و فقط "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را به رسمیت میشناسد و با آن همکاری میکند و بس!!! آقای "امینی" نوشت، که عار دارد و به خود ننگ میداند، که با پورتال "افغان جرمن" همکاری نماید. وی به "افغان جرمن" اخطار داد، که اگر آن خبر ساختگی را به صورت فوری از صفحه خود حذف نکند، به تعقیب قانونی "افغان جرمن آنلاین" خواهد پرداخت. همان بود، که پورتال بزدل "افغان جرمن" ترسیده به خود لرزید و آن خبر مسروق را فی الفور از صفحه خود حذف کرد!!! البته وی این کار پورتال "افغان جرمن" را دزدی و تقلب آشکار شمرده و تا توانست پورتال "افغان جرمن" را کوبید!!! رویداد این کشمکش در صفحات "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" وسیعاً منعکس گشت و همین حالا هم در صفحات مربوطه قابل دریافت است!!! و ازین حدیث حزین که بگذریم:

مگر قبل از "خلیل الله معروفی" و بسا ناقدان و نقدگران دیگر، شاعر نامی و قصیده سرای گرامی و نقدپرداز وطن، آقای "نعمت الله مختارزاده" پیشتر از ده سال پیش و به تاریخ ۳ اکتوبر ۲۰۰۸ بر "لقب بخشیها"ی مفت و ارزان و خیراتی و بی اساس و به اصطلاح عوام کابلی، "از کیسه خلیفه"، داکتر هاشمیان ایراد گرفته و منظومه نافذی را تحت عنوان "غوغای حقیقت" انشاد کرده و به خود داکتر صاحب هاشمیان فرستاده بود، که اینک بار اول در عرصه عام انترنتی قرار گرفته و صفحه مؤرخ ۱۵ دسمبر ۲۰۱۸ "آریانا افغانستان آنلاین" را مزین ساخت. کاملاً جای دارد، که در همین جا منظومه جناب "مختارزاده" را نسبت اهمیت آن عیناً نقل کنم:

هاشمیان، که گپ از عالم بالا دارد	گفته ها، ساده، ولی، پُر ز معما دارد
گرچه تُند سخنش، تندتر از تندترین	لیک شهد و شکر و قند و مرَبَا دارد
گپ او آب نماید دل سنگ اُدباء	قلم معتبر و معجزه آسا دارد
پرده از چهره هر خائن ملی، بَرَد	آنچه باشد به خفا، بر همه رسوا دارد
خود پروفیسر و هم داکتر و استاد بُود	سند اصلی به صدها و هزارها دارد
لیک خیرات، درین ماه مبارک بر من	لقبی داده و توهینی به اُستا دارد

من نه داکتر، نه پروفیسر و نه استادم
 به من تازه سبق خوانی، که نوشاگردم
 سنگ خیراتی "استاد"، زده بر سر من
 من نه جنرال و قومندان و رئیس و نه وزیر
 من نه ملا و نه طالب، نه چلی و نه امام
 ولی یک شاعر آواره بی نام و نشان
 دیگ ترویر به جوش آمده بی چوب و ذغال
 بر گدائی که پی شهرت و نام است و مقام
 این لقب درخور ما نیست، بده بر دگران
 مهر استاد، به این نملۀ* ادنا دارد
 تهمتی بد، به چنین بی سر و بی پا دارد
 مُشت ننگین لقب، وار دل ما دارد
 یک پناهنده، که نه مسکن و ماوا دارد
 که حقیقت ز جفایم بسی غوغا دارد
 ز نشانش قلم، شکوه به هر جا دارد
 طبع لامذهب من، پختن حلوا دارد
 هرچه خیرات دهی، زود پذیرا دارد
 که مرا بی لقبی، جوهر معنا دارد

«نعمت» از مُفت کند، شکوه منظوم چنین

که چرا مفت لقب، بر من شیدا دارد

اما وبسایت "افغان جرمن آنلاین" چه کرد؟؟؟

متصدیان و منسوبان "ایله جار" این وبسایت، اگر ذره ای از تعقل و خویشتنداری برخوردار میبودند، با مقاله "آدب - آدب دری - استاد آدب دری" مانند "آولاد آدم" برخورد میکردند و محتویات آن را به گفته کابلیان گرامی، به شکل "آدم دستور" به ارزیابی میگرفتند؛ یعنی دور از ابراز خشونت و بدون نثار کردن سیل سخنان پوچ و بی معنی و موهن، به شخص من و خانم و مادر من - بلی؛ بودن ابراز خشونت و بدون نثار کردن سیل سخنان پوچ و بی معنی و موهن، به شخص من و خانم و مادر من!!! اینها همه و بلااستثناء با چنین عکس العملهای وحشیانه و غیرمتمدنانه خود، در واقع حیثیت و وقار و اعتبار خود را به زمین زدند و کاری کردند، که از آن تا جهان است، باید بشرمنند و سرافکنده بمانند؛ البته اگر ذره ای از خصلت انسانی در فطرت و طینت ایشان سراغ شده بتوانند!!!

اگر وبسایت "افغان جرمن" و اداره کنندگان ناعاقبت اندیشش از اندکترین پرنسیب زیست باهمی برخوردار میبودند و شمه ای عقل و تعقل در کارگاه هستی شان راه میداشت، مقاله مرا از طریق استدلال و با ارائه دلیل و منطق رد میکردند، که نکردند و نکردند!!! چون چنین عرضه ای در چانته نداشتند؛ که نداشتند و ندارند!!!

ایشان به خشونت بی امان روی آورده و ظاهراً تا توانستند بر شخص من و فامیل من تاختند. اما تاختن ایشان در واقعیت امر، تاختن بر "آدب و ادبیات دری" بود. بلی این تاختنها "لشکرکشی" جاهلانه ای در برابر "آدب دری" و فرهنگ دیرپای این زبان بود!!! چون مقاله من رسالت و وظیفه دیگری نداشت، غیر از دفاع از حیثیت "آدب دری" و دفاع از حیثیت و ارزشهای "آدبی - فرهنگی" این زبان عزیز و گسترده ملی ما!!!

در قسمت دوم این گفتار، نوشته مورخ ۱۱ اگست ۲۰۱۷ داکتر صاحب هاشمیان از نظرها گذشت، که عیناً و جنساً و بدون کم و کاست و دستکاری و اصلاح و تصحیح و ویرایش، منتشر گشته بود. هر خواننده باسواد و مُنصف بعد از مطالعه مقاله استاد داکتر هاشمیان، دو نکته ذیل را درک کرده میتواند:

۱ - وقتی سطح انشاء و قدرت قلم آن داکتر "استاد ساز" چنین باشد، سطح و سویه "چوکره های استاد شده او" چه میتواند باشد؟؟؟ در قسمت لازم بدین نکته مفصلاً پرداخته خواهد شد!!!

۲ - داکتر هاشمیان ضمن آن مقاله، شلاق زنان سویه تهنیب و اخلاق "افغان جرمن" را افشاء میکند، اما متصدیان باغیرت "افغان جرمن" آن همه شلاق بی امان داکتر صاحب هاشمیان را با "توطئه سکوت" بدرقه میکنند. چنین کاری اما اخلاق دوگانه و به اصطلاح وطنی خود ما "مناققت" عام و تام این سایت "نگ عالم" را نمایان میسازد!!!

نظرسنجی در هر وبسایتی، معیار ظرفیت کارکنان و مهمانان(عیادت کنندگان) آن صفحه را نشان میدهد. در چند روزی، که "شوربازار" و "کاه فروشی" نظرخواهی این پورتال "هشت رخ نه گرد" را از نظر میگذرانم، سطح فهم و درک این همه "مهمان و میزبان" پورتال "افغان جرمن" چون کف دست و به مانند روز روشن کابل، نمایان گشته می‌رود. در تمام مقاله "آدب - آدب دری - استاد آدب دری" و دو قسمت اول مقاله «لشکرکشی "افغان جرمن" در برابر "آدب دری"»، وقتی این همه از منطق و دستاویز و استدلال بلیغ سخن رفت، هیچ کس از آن بهره ای نبرد و به درکش قادر نگشت. تا این، که آن کلمه و آن عبارت به میدان افتاد و مورد اِلتفات و اقبال همه شان قرار گرفت!!! دلیل این اِلتفات و اقبال همگانی پورتال "افغان جرمن" چیست؟؟؟

جواب را در گفته مشهور جهانبان معروف "ظهیرالدین محمد بابُر" مییابیم، که چارصد سال پیش فرمود:

چیزی، که عیان است، چه حاجت به بیان است!!!

چه حکمتی در کار قلم افتاد، که با ذکر آن کلمه و عبارت، سخن را دقیقاً در سطح فهم و "مزه دهن" "افغان جرمن" کشود؟؟؟ عکس عملهای جمعی و همسان و به اصطلاح دفترداری قدیم، "متحد المال" منسوبان این وبسایت ثابت ساختند، که ایشان فقط در همین سطح درک و فهم و دانش قرار دارند. چون هر قدر از منطق و استدلال کار گرفته شد، در گوشهای خمود و جمود و اذهان کُند و الکن و دماغ و مغز کر و کور و گُنگ ایشان کارگر نیفتاد، که نیفتاد و هرگز هم نیفتند!!! این عکس العمل مشترک و همگون، به صراحت دو نکته را میرساند:

- یکی سطح نازل فکر و فهم و دانش نظردهندگان را

- و دیگر این، که این نظردادن ها از یک دست اداره میشود، چون بسیاری از نظردهندگان عین کسان معدود و انگشت شماری اند، که زیر نامهای مستعار و کذائی این و آن مینویسند!!! دوستان دقیق النظر حساب کرده اند، که یکی دو نفر از دروغپردازان کذاب "افغان جرمن" تا سیزده نام مستعار دارند!!! این نیز و ادعاء وقتی به صورت احسن به کرسی مینشینند و تأیید میگردند، که بسا از به اصطلاح "نظر دهندگان" در برابر بعض موضوعات، قصداً از ابراز نظر خودداری میکنند؛ مثلاً:

- در برابر نشر مقاله داکتر هاشمیان در قسمت دوم این سلسله، هیچ عکس العملی نشان داده نشد!!!

- در برابر منظومه قصیده سرای وقاد و نقاد افغان، جناب "نعمت الله مختارزاده" نیز از سنگ صدا برآمد و از نظردهندگان "افغان جرمن" نی!!! چون اینها قصداً نمیخواستند در برابر کسی جبهه باز کنند، که از شمشیر سخنش در ترس و لرز هستند. ازین رو، یکسره خپ خود را زدند و پوزبند بر دهن بستند!!!

داکتر صاحب هاشمیان ظاهراً به رؤیت چند پارچه شعر از "خانم صالحه" و "خانم شیما"، این لقب والا و بلندبالا و بلکه بالاترین لقب درین عرصه، را در پای ایشان نثار کرد. در حالی، که استاد هاشمیان از رُموز فنی شعر و قوانین و افاعیل عروضی آگاه نبود؛ از این همه قواعد و ضوابط بهره ای نداشت و وزن شعر را تخمین کرده نمیتوانست!!! چنان، که سه چار سال پیش جناب "نجیب سخی" ازین بابت و در همین پورتال "افغان جرمن آنلاین" بر استاد هاشمیان تاخت و برایش چلنج داد، که شعری را از نگاه عروضی تقطیع کند!!! داکتر هاشمیان "نر واری" تیر خود را آورد و خاموش ماند - خاموش در خاموش؛ و به اصطلاح عوام کابلی، اصلاً "خود را در راه نیارود!!!"

داکتر صاحب هاشمیان در پهلوی چنین کار کوتهنظرانه و ناعاقبت اندیشانه ای، فیرهای هوائی و "بی خلطه" دیگر هم داشت. از جمله نام گذاشتن "کبیر" بر قاموسی، که "افغان جرمن آنلاین" در نظر داشت بیرون بکشد. وی با گذاشتن نام خانوادگی "قیس کبیر" بر این قاموس، خواست خوشخدمتی بی به "قیس کبیر" کند و بالوسيله خود را در دل "قیس کبیر" شیرین بسازد. اما این همه جانفشانی داکتر هاشمیان جایی را نگرفت و روزی رسید، که بیچاره استاد هاشمیان را با فضیحت و رسوائی از پورتال خود اخراج کردند. دلیل اخراج داکتر صاحب هاشمیان را بعداً از زبان خود "قیس کبیر" حکایت خواهیم کرد - وقتی نوبت محاسبه با "قیس کبیر" برسد!!! در قسمت مربوط این نکته را انکشاف بیشتر خواهیم داد!!!

در چار دیواریِ نظرخواهی "افغان جرمن آنالین" خود "خانم صالحه" نیز دوبار نوشت، و هر بار طوری نوشت، که داستان همان "... خوش لباس" از "هفت اورنگ" حضرت "نورالدین عبدالرحمان جامی هروی" را به یاد می آرد:

نه لفظش فصیح و نه معنی صحیح

به هر لفظ و معنی، خطائی صریح

کاش "خانم صالحه جان" خود را در ظاهر هم نمیخارید و درین جنجال به فرموده کابلین "دکه نمیداد" و می گذاشت، که حواریان و حواریون و ایله جارهای غیر مُحاربِ وی، به فرمایشش هرچه نوشتند، نوشتند!!! در همین جا باید بر عزت نفس و تمکین خانم "پوهندوی شیماجان غفوری" آفرین گفت، که خود را اصلاً درین کش و کوک داخل نساخت و ظاهراً بیخبر انداخت. البته شیما جان در زمان حیات داکتر صاحب هاشمیان هم چنین کرده و از إحراز و گرفتن این لقب استعفاء کرده و صریحاً نوشته بود، که لقب بزرگ "استاد ادب دری" بر وی گرانی میکند!!! اما "صالحه خانم"، که به گفته کابلین "سر این لقب سُرخ آمده بود"، شیما جان را از عزمش منصرف ساخته، گپ داد تا از دستان مبارک داکتر هاشمیان این لقب را حاصل کند!!! (این نکته را وقتی نوبت به خود "خانم صالحه فولادی" برسد، بیشتر خواهم شگافت!!!)

(ختم این قسمت)



قسمت اول لشکرکشی "اگی او" در برابر ادب دری را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Marooft_k_lashkarkasheeye_ago_darbaraabare_adabe_dari_۱.pdf

و قسمت دوم را با...

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Marooft_k_lashkarkasheeye_ago_darbaraabare_adabe_dari_۲.pdf

لشکرکشی "افغان جرمن" در برابر "ادب دری" (قسمت سوم)
[Marooft_k_lashkarkasheeye_ago_darbaraabare_adabe_dari_۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Marooft_k_lashkarkasheeye_ago_darbaraabare_adabe_dari_۳.pdf)